



۱. چرا می‌گوییم اقتصاد مقاومتی در نواحی روستایی و عشایری با تداوم

روند موجود، محقق نخواهد شد؟

(گزارش موردی در خصوص طرح جامع عمران و توسعه روستایی)

مقدمه

به‌ثمر نشستن بذر اقتصاد مقاومتی در نواحی روستایی و عشایری، در گرو درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد این نواحی میسر می‌شود. اما بررسی‌های میدانی و شواهد حاصله نشان می‌دهد، چالش‌های اساسی و موانع متعدد زیرساختی، اداری، فنی، سیاستی و... وجود دارد که سد راه شکوفایی اقتصادی نواحی روستایی و عشایری شده است. گزیده‌ای از چالش‌های فوق در ادامه به‌طور خلاصه بیان شده‌اند.

۱. بیش از ۷۰ درصد اعتبارات توسعه روستایی و عشایری در قوانین بودجه سنواتی صرف امور کالبدی، فیزیکی و خدماتی شده و اقتصاد این نواحی مورد غفلت قرار می‌گیرد.

۲. برنامه‌ریزی منطقه‌ای مبتنی بر آمایش سرزمین در کشور عملیاتی نشده است، این در حالی است که جزء «۱» بند «الف» ماده (۲۶) قانون برنامه ششم توسعه نیز دولت را مکلف به تهیه و اجرای سند آمایش سرزمین ملی و استانی کرده است.

۳. سازوکار و نهادی در سطح محلی (دهستان یا بخش) وجود ندارد که دارای اطلاعات و ایده‌های کارآفرینانه مبتنی بر واقعیات میدانی و شرایط اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی باشد و سرمایه‌گذاران خصوصی و تعاونی را راهنمایی کند تا بنگاه‌های اقتصادی در همان سال‌های ابتدایی به‌دلیل امکان‌سنجی نادرست تعطیل نشوند.

۴. نهاد یا صندوقی وجود ندارد که با بخش خصوصی و تعاونی در توسعه بنگاه‌های صادرات‌گرا و پُراشتغال روستایی و عشایری، به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های نوآورانه، شراکت نماید تا ریسک سرمایه‌گذاری کاهش و میزان تشکیل سرمایه ثابت و مولد در نواحی روستایی و عشایری افزایش یابد.

۵. اخذ مجوز برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کارآفرینانه و اقتصادی، فرآیند بسیار طولانی دارد و زیرساخت‌هایی مانند انرژی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌موقع و به‌صورت یکپارچه در اختیار سرمایه‌گذاران قرار نمی‌گیرد، لذا هریک از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران باید به‌صورت مجزا و مستقل، برای اخذ مجوزهای احداث و بهره‌برداری واحد تولیدی، برخوردار از آب، برق، گاز و سایر خدمات عمومی چندین سال در دستگاه‌های اجرایی مختلف سرگردان باشند.

۶. دسترسی دانش‌آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی به اراضی کشاورزی و منابع طبیعی (چه در قالب برخوردار از حق بهره‌برداری یا مالکیت) بسیار دشوار است و آنها قادر به اجرای طرح‌های دانش‌بنیان و علمی خود در اراضی مناسب نیستند.

معاونت پژوهش‌های
زیربنایی و امور
تولیدی
دفتر: مطالعات
زیربنایی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۵۰۱۵۶۴۱

تاریخ انتشار:
۱۳۹۶/۱۰/۷

۷. مدیریت محلی روستایی، یعنی دهیاری و شورای اسلامی در اغلب موارد، فاقد توانمندی در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی روستاها هستند.

«عمده وظایف دهیار، در جمع‌آوری پسماند، مبلمان روستایی و جدول‌کشی خلاصه شده است و شوراهای اسلامی به‌خصوص در مناطق ییلاقی، بعضاً نقش مؤثری در معاملات زمین و تغییر کاربری اراضی بازی می‌کنند».

۸. طرح‌های هادی روستایی به‌عنوان تنها طرح محلی روستاها، فقط به بررسی کالبد و فیزیک روستا و جانمایی خیابان و کوچه پرداخته و هیچ برون‌دادی درخصوص نحوه هدایت بنگاه‌های اقتصادی و توسعه آنها در نواحی روستایی ندارند و البته منطقی نیست که از متولی آن [بنیاد مسکن] که طبق اساسنامه، مسئولیت مسکن محرومان را برعهده دارد، انتظار برنامه‌ریزی اقتصادی داشت.

۹. برنامه مشخص و پیگیر برای مهارت‌آموزی جوانان روستایی و عشایری و توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه آنها وجود ندارد.
۱۰. نگاه خوشه‌ای به بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط روستایی و عشایری وجود ندارد و هیچ ساختار حمایتی برای تزریق نوآوری در این بنگاه‌ها برای بهبود مستمر رقابت‌پذیری آنها در بازارهای جهانی و تسهیل بازاریابی وجود ندارد.
۱۱. بهره‌مندی بنگاه‌های کوچک و متوسط روستایی و عشایری از اعتبارات بانکی، به‌موقع و کافی نبوده و شرایط سختگیرانه‌ای از نظر وثایق و سود بر این بنگاه‌ها از طرف سیستم بانکی تحمیل می‌شود.

۱۲. بسیاری از شرکت‌های تولیدی متشکل از روستاییان و عشایر مانند شرکت‌های تعاونی روستایی، تعاونی عشایر، تعاونی دهیاری، تعاونی صیادی و شرکت‌های سهامی زراعی، دارای ساختار مدیریتی و نیروی انسانی خبره در زمینه‌های مدیریت کسب‌وکار روستایی و بازاریابی نبوده و مدیران آنها در بسیاری از موارد به‌صورت غیرعلمی و با رویکردهای قومی - طائفه‌ای (همانند شوراهای اسلامی روستاها) انتخاب می‌شود. درحالی که متشکل کردن روستاییان و عشایر در قالب شرکت‌ها و نهادهای برخوردار از مدیریت دانش‌بنیان، امکان‌پذیر است.

با توجه به چالش‌های نهادینه‌شده فوق، سؤال اساسی این است که:

آیا تحقق اقتصاد مقاومتی در نواحی روستایی و عشایری، بدون اصلاح نظام سیاستگذاری توسعه روستایی و عشایری امکان‌پذیر است و کشور در ازای به تأخیر افتادن این موضوع، چقدر باید متحمل هزینه شود؟

ناگفته پیداست که با وجود چالش‌های مذکور، اقتصاد روستاها و نواحی عشایری شکوفا نخواهد شد. رفع این چالش‌ها در گرو تشکیل سازمانی است که با رویکرد جهادی و نگاه یکپارچه به کشاورزی و روستا، به دور از کلی‌گویی و ارائه یکسری توصیه‌ها، اقدامات عملی را با استفاده از ظرفیت تشکلهای مردم‌نهاد و حرکت‌های خودجوش انجام دهد.

در این راستا، وزارت جهاد کشاورزی با توجه به وظایف قانونی در برنامه ششم توسعه و قانون تشکیل خود و در اختیار داشتن منابع پایه تولید از جمله اراضی کشاورزی و منابع طبیعی و نیز برخورداری از اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی و سهامی زراعی و... باید مسئولیت‌پذیری بیشتری در شکوفایی اقتصادی در روستاها ایفا کند، زیرا امروزه در قالب مفهوم «کشاورزی چندکارکردی»، بخش کشاورزی باید علاوه بر تولید محصول، موضوعاتی چون اشتغال‌زایی، فقرزدایی، حفظ منابع پایه تولید و سلامت جامعه را هم برعهده بگیرد.

شایان ذکر است که تحقق مدیریت یکپارچه بخش کشاورزی، توسعه روستایی و عشایری تا پایان سال اول اجرای برنامه ششم توسعه، براساس جزء «۳» بند «ب» ماده (۲۷) قانون برنامه ششم توسعه الزامی است.